

مقدمه

کتاب پیش‌رو عموماً مشتمل بر تأملات فلسفی نگارنده در دو حوزه دین و اخلاق، طی سالیان اخیر است. نخستین مقاله کتاب "کانت، ویتگنشتاین متقدم و نقد اخلاق تجربی" است، که با همکاری پرهام مهدیان، دانش‌آموخته فلسفه تحلیلی، به رشته تحریر درآمده و به بحث از اخلاق در فلسفه کانت و ویتگنشتاین می‌پردازد و ربط و نسبت میان این دو را می‌کاود. مدعای اصلی مقاله این است که اگرچه هم کانت و هم ویتگنشتاین متقدم به نقد اخلاق تجربی و مشخصاً نتیجه‌گرایی همت‌گمارده‌اند و هر دو جهان‌پیرامون را عاری از ارزش‌های اخلاقی می‌دانند، اما مبدأ عزیمت کانت معرفت‌شناسانه است، درحالی‌که ورود ویتگنشتاین به بحث دلالت‌شناسانه است و نیز اخلاق‌کانتی اخلاقی شناخت‌گراست، حال آن‌که اخلاق ویتگنشتاینی غیرشناخت‌گراست. دومین و سومین مقاله متعلق به حوزه اخلاق کاربردی است. در "بررسی مادری جایگزین از منظر فایده‌گرایی عمل‌محور" یکی از مسائل مهم اخلاق پزشکی مورد بحث قرار گرفته است. صورت مسئله از این قرار است: آیا زوجی که به خاطر مشکلات رحم همسر، بچه‌دار نمی‌شوند و درعین حال خواهان فرزند هستند، می‌توانند از رحم شخص دیگری برای جایگزین کردن و قراردادن نطفه جهت سپری کردن دوران بارداری استفاده کنند؟ آیا انجام چنین فعلی از منظر اخلاقی رواست؟ در این مقاله کوشیده شده، با مدنظر قراردادن نظریه اخلاقی فایده‌گرایی عمل‌محور، روایی اخلاقی مسئله بررسی شود. در "بررسی اتانازی داوطلبانه غیرفعال از منظر اخلاق راس" نیز یکی از اقسام شش‌گانه اتانازی، که

بہتر است در زبان فارسی معادل کشتن مشفقانه یا کشتن از روی ترحم را برای آن قرار دهیم، و روایی و ناروایی اخلاقی آن، با عطف نظر به دستگاہ اخلاقی راس، مورد بحث قرار گرفته است. در "مبانی اخلاقی دموکراسی"، کہ صورت تنقیح یافتہ یک سخنرانی است، مفہوم دموکراسی از منظر اخلاقی مورد بحث قرار گرفته و مؤلفہ ہای اخلاقی دخیل در تکوین دموکراسی و ساز و کار دموکراتیک نشان دادہ شدہ اند. "اندر باب اخلاق و سیاست" گفت و گویی است دربارہ ربط و نسبت میان سیاست و اخلاق، بہ مثابہ دورشتہ ہنجار محور. مہم ترین سؤالاتی کہ در فلسفہ سیاسی مطرح می شوند عبارت اند از این کہ: چہ کسی باید حکومت کند؟ چگونہ باید حکومت کرد؟ و ... این پرسش ہا آشکارا ظنین ہنجاری دارند و از این حیث، از منظر اخلاقی درخور تأمل ہستند. مقالہ "ویتگنشتاین و نگریستن از وجہ ابدی"، کہ بہ کمک مرتضی عابدینی فر، دانش آموختہ فلسفہ ہنر، نوشتہ شدہ، بہ مؤلفہ ہای امر ہنری و نسبت آن با امر اخلاقی در فلسفہ ویتگنشتاین متقدم می پردازد. در یکی از فقرات رسالہ منطقی - فلسفی آمدہ است: "اخلاق و زیبایی شناسی یکی اند و عین ہم"، بدون این کہ توضیحی در این باب دادہ شود. با مدنظر قرار دادن سایر نوشتہ ہای دوران نخست فلسفی ویتگنشتاین، بہ نظر می رسد کہ اخلاق و زیبایی شناسی یا بہ تعبیر دقیق تر، تجربہ اخلاقی و تجربہ زیبایی شناختی متضمن نگریستن بہ عالم از وجہ ابدی اند، بر خلاف دیگر تجربہ ہای متعارف کہ با نگریستن از میان بہ پدیدہ ہا ہم عنان اند. در عین حال، بہ نظر می رسد چنین نگاہی بہ اخلاق و زیبایی شناسی کاستی ہایی دارد کہ پارہ ای از آن ہا در انتہای مقالہ مورد بحث قرار گرفته اند.

پس از جستارہای اخلاقی، نوبت بہ مقولات دینی و عرفانی می رسد. مقالہ "تعبد و مدرن بودن" بہ نقد و بررسی آرای مصطفی ملکیان، روشنفکر معاصر، در باب نسبت میان دین و مدرنیته می پردازد. بنابر رأی ایشان، تعبد رکن رکین دین است و عقلانیت، گوہر مدرنیته؛ عقلانیتی کہ نسبتی با تعبد ندارد و غیر متعبدانہ است. مدلول سخن فوق این است کہ دین و مدرنیته در و پنجرہ ای بہ یکدیگر ندارند و بہ تعبیر منطقیون، دو مقولہ متباین اند. در این مقالہ کوشیدہ شدہ تا با صورت بندی و تقریر مدعای یاد شدہ، ادلہ ای در نقد آن اقامہ شود. "عرفان و

روشنفکری دینی" به بحث دربارهٔ منزلت عرفان در منظومهٔ معرفتی روشنفکری دینی می‌پردازد. پذیرش و به کار بردن عقلانیت انتقادی از آموزه‌های محوری روشنفکری دینی است. مدلول سخن فوق این است که باید تمامی مؤلفه‌های منظومهٔ معرفتی روشنفکری دینی از صافی عقل نقاد عبور کنند و بر اثر تعامل و مواجهه با آن، حجیت معرفت‌شناختی لازم را احراز کنند. به نظر می‌رسد، تنقیح مبادی و مبانی وجودشناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی عرفان، به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم منظومهٔ معرفتی روشنفکری دینی، باید در دستور کار کسانی که دل‌مشغول پیشبرد پروژهٔ روشنفکری دینی‌اند قرار گیرد. "تطور «امر متعالی» در منظومهٔ سپهری"، که صورت منقح‌شدهٔ یک سخنرانی است، دو تلقی از مواجهه با امر متعالی در هشت کتاب سهراب سپهری، شاعر و نقاش معاصر، را مورد بحث قرار می‌دهد. مطابق با تلقی اول از مواجهه با امر متعالی، سالک در تجارب اشراقی - باطنی خویش میان خود و امر متعالی فاصله‌ای را تجربه می‌کند؛ فاصله‌ای که خواندن و مورد خطاب قرار دادن امر متعالی را میسر می‌کند. در واقع، در این‌جا به لحاظ وجودشناختی تمایزی میان سالک و امر متعالی برقرار است. بنابر تلقی دوم، سالک مستحیل و مستغرق در امر متعالی می‌شود؛ به طوری که دیگر خود و فاصله‌ای را در میان نمی‌بیند تا ناظر بدان سخن بگوید. گویی تمام وجودش از امر متعالی پر شده و تجربهٔ اتحاد و یگانگی را از سر می‌گذراند. مفروض وجودشناختی چنین تجربه‌ای عدم تمایز میان سالک و امر متعالی است. "ایمان شورمندانه - ایمان آرزومندانه"، که صورت تنقیح‌یافتهٔ یک سخنرانی است، ربط میان دو تلقی از ایمان، موسوم به ایمان شورمندانه و ایمان آرزومندانه، را می‌کاود و از نسبت میان آن‌ها سراغ می‌گیرد. ایمان شورمندانه انفسی است و پروای عقلانی بودن را ندارد، نظیر ایمان کثیری از عرفا؛ حال آن‌که، ایمان آرزومندانه، غیر شورمندانه است و در تلاطم و سازگاری با دستاوردهای عقل نظری و پیش‌تر از هرچیز از طمأنینه‌ای خبر می‌دهد که با وجود عدم اطمینان نظری، فضای ضمیر مؤمن را فراگرفته است. "واقعیت غایی و کثرت‌گرایی دینی" مصاحبه‌ای است که به همراه دوست و همکار گرامی، دکتر سیدامیر اکرمی، با جان هیک انجام شده و دوست گرامی، هومن پناهنده، آن را به فارسی برگردانده است. در این گفت‌وگو، علاوه بر

کثرت‌گرایی دینی، موضوعاتی نظیر واقع‌گرایی دینی و تجربه دینی نیز به بحث گذاشته شده و آرای هیک در این حوزه‌ها کاویده شده است. «کدام واقعیت؟» گفت‌وگویی است درباره زبان دین و واقع‌گرایی دینی، که به همراه دوست و همکار گرامی، دکتر امیرعباس علی‌زمانی، انجام شده است. در این گفت‌وگو مسائلی نظیر رابطه علم و دین، تجربه دینی، واقع‌گرایی دینی، ناواقع‌گرایی دینی و ... مورد بحث قرار گرفته‌اند.

پس از جستارهای اخلاقی و دینی، به بخش انتهایی می‌رسیم. از آن‌جا که اکثر کندوکاوهای فلسفی این مجموعه در ذیل سنت فلسفه تحلیلی سامان یافته، دو مقاله «نومینالیسم وجودشناختی و فلسفه تحلیلی» و «پوپر و سنت فلسفه تحلیلی» که درباره این نحله فلسفی‌اند، در کتاب گنجانده شده‌اند. «نومینالیسم وجودشناختی و فلسفه تحلیلی»، که به همراه محمدحسین دباغ، دانش‌آموخته فلسفه غرب، نوشته شده، بر «نومینالیسم وجودشناختی»، به مثابه آموزه‌ای محوری در پیدایی فلسفه تحلیلی، تأکید می‌کند. تفکیک نومینالیسم وجودشناختی از نومینالیسم دلالت‌شناختی از یک سو و از ذات‌گرایی وجودشناختی و ذات‌گرایی دلالت‌شناختی از سوی دیگر در این میان رهگشاست. «پوپر و سنت فلسفه تحلیلی»، با مروری فشرده بر تاریخ فلسفه تحلیلی و طرح آموزه‌های فلاسفه تحلیلی مهم و دوران‌سازی نظیر فرگه، کواهن، ویتگنشتاین و کریپکی، می‌کوشد تا منزلت این فیلسوف بلندآوازه اتریشی را در این سنت مورد بررسی قرار دهد.

از این مقالات چهارده گانه، «کانت، ویتگنشتاین متقدم و نقد اخلاق تجربی» نخستین بار در انجمن معارف، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، شماره هشت به چاپ رسیده است. «بررسی مادری جایگزین از منظر فایده‌گرایی عمل‌محور» پیش از این در باروری و ناباروری، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، دوره نهم، شماره دوم منتشر شده است. «بررسی اتانازی داوطلبانه غیرفعال از منظر اخلاق راس» در فصلنامه تخصصی اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شماره یک، به چاپ رسیده است. «مبانی اخلاقی دموکراسی»، «تعبد و مدرن‌بودن» و «واقعیت غایی و کثرت‌گرایی دینی» نیز پیش از این به ترتیب در شماره‌های صفر، چهار و دو فصلنامه

فرهنگی-فلسفی مدرسه به چاپ رسیده‌اند. "اندرباب اخلاق و سیاست" در کتاب اخلاق سیاسی، تحت نظر معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، منتشر شده است. «ویتگنشتاین و نگریستن از وجه ابدی» در فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه دینی، شماره ۳۱، به چاپ رسیده است. «عرفان و روشنفکری دینی» نخستین بار در ویژه‌نامه سمینار «آسیب‌شناسی روشنفکری دینی» در تابستان ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. «ایمان شورمندانه-ایمان آرزومندان» نخست در دانشگاه شهید بهشتی، در زمستان ۱۳۸۲ القاشد و سپس در کتاب ماه دین، شماره سیزده، به چاپ رسید. «تطور "امر متعالی" در منظومه سپهری» ابتدا در مؤسسه معرفت و پژوهش، در اسفند ۱۳۸۶ ایراد شد و پس از آن، در فصلنامه فلسفی-ادبی-عرفانی/اشراق دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، شماره شش (دفتر چهارم)، منتشر شد. «کدام واقعیت؟» نیز در ماهنامه خردنامه همشهری، شماره ده، منتشر شده است. «نومینالیسم وجودشناختی و فلسفه تحلیلی» نیز، نخستین بار در مجموعه‌ای تحت نظر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شده است. «پوپر و سنت فلسفه تحلیلی» نیز ابتدا در هفته‌نامه شهروند، سال سوم، شماره ۶۴، به چاپ رسیده است. از مسئولین محترم این نشریات، که با انتشار مجدد این مطالب در این مجموعه موافقت کردند، سپاسگزارم. علاوه بر این، از دوستان و همکاران عزیزم، آقایان کوشا اقبال، هومن پناهنده، دکتر جلال توکلیان، آقای مهدی حسینی، دکتر حسین شیخ‌رضایی، دکتر مسعود علیا، محمد منصور هاشمی و سرکار خانم فاطمه مینایی، که نکات سودمند و رهگشایی را جهت بهتر شدن این مجموعه متذکر شدند، تشکر می‌کنم. هم‌چنین صمیمانه تشکر می‌کنم از ویراستار محترم سرکار خانم سمیه ربیعی، به جهت زحمات زیادی که برای ویراستاری این مجموعه متقبل شدند. در عین حال، از آقای بهزاد محمدی و سرکار خانم سارا کردی، برای صفحه‌آرایی و حروف‌چینی کتاب حاضر ممنونم. در خاتمه، صمیمانه ارج می‌نهم مساعی مدیر محترم بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، آقای اسماعیل حسن‌زاده، و نیز آقای کامبیز پورناجی را برای نشر این اثر.

امر اخلاقی، امر متعالی گامی است در جهت اندیشیدن و تأمل کردن درباره

برخی از مسائلی که در حوزه دین و اخلاق با آن دست به گریبانیم. باشد که مورد اعتنای کسانی که دلی در گرو فلسفیدن دارند و خصوصاً دل مشغول مباحث اخلاقی - دینی اند، واقع شود.

سروش دباغ، آذر ۱۳۸۷